خبرها

خبرنگار مفقود شده پاکستانی مرده پیدا شد

جام‌جم آن‌لاین: پلیس پاکستان اعلام کرد یک خبرنگار پاکستانی که اواخر سال گذشته ناپدید شد، مرده یافت شده است. به گزارش منابع خبری آمریکایی جسد هیات الله‌خان ادیروز، جمعه، در شهرک میرعلی در ناحیه قبیله‌ای وزیرستان پیدا شد. مقامات محلی می گویند به نظر می‌رسد وی اخیراً و از شدت جراحات ناشی از اصابت گلوله مرده است. خان از پنجم دسامبر گذشته که خبر داد یک عضو ارشد القاعده در یک حمله موشکی آمریکا در نزدیکی مرز افغانستان کشته شده است، ناپدید شد. خبر وی با گزارش های رسمی پاکستان که در آنها گفته شده است این تروریست مصری هنگام ساختن بمب کشته شد، مغایرت دارد. هنوز معلوم نیست چه کسی یا گروهی مسئول ناپدید شدن این خبرنگار پاکستانی بوده است و هیچ کس هم در این باره ادعایی نکرده است.

اما روزنامه‌نگاران پاکستانی عوامل و ماموران اطلاعاتی پاکستان را به ربودن او متهم کرده‌اند اما مقامات این اتهام را رد کرده‌اند.

کمک به مطبوعات دولتی از ناحیه دولت توجیهی ندارد

به گفته مدیرمسئول روزنامه زمان، تخصیص آگهی های دولتی اگر به معنای چشم‌پوشی از ضعف‌ها و کاستی های دولت باشد، دور از شأن و رسالت حرفه‌ای مطبوعات است. محمود حیدری اظهار داشت: مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برنامه‌های خود عنوان کرده‌اند که در جهت توزیع عادلانه آگهی های دولتی به مطبوعات هستند، اما هنوز برنامه‌ای در این زمینه اجرا نشده است. او افزود: بیشتر مدیرمسئولان مطبوعات، بارها به این نکته اشاره کرده‌اند که آگهی های دولتی به طور یکسان در بین نشریات توزیع نمی‌شوند و برخی در این میان به دلیل وابستگی هایی که به دولت دارند، حجم بیشتر آگهی ها را به خود اختصاص می‌دهند. حیدری با بیان این که تخصیص حجم عمده آگهی ها به مطبوعات دولتی، یعنی کمک دولت به دولت، تصریح کرد: باید دید وقتی یک نشریه با اعتبار و پشتوانه دولت به وجود می آید، آیا به حمایت هایی به این شکل نیاز دارد. از این رو کمک به مطبوعات دولتی از ناحیه دولت توجیهی ندارد. وی افزود: اصل بر این است که از نشریاتی باید حمایت کرد که از بنیه های مالی قوی برخوردار نیستند، اما خدمات عمومی ارائه می دهند؛ از این رو اگر دولت می خواهد کمکی در جهت پویایی و رشد مطبوعات کند، باید از نشریاتی حمایت کند که واقعاً به این کمک نیاز دارند، تا از نظر کمی و کیفی در جهت اعتلای فرهنگ اطلاع‌رسانی رشد و توسعه یابند. به‌عقیده او اگر دولت فضای نقد و انتقاد را باز بگذارد و بپذیرد که مطبوعات باید به رسالت اصلی خود عمل کنند، دیگر این گونه کمک ها، آنها را متوقع نخواهد کرد که مطبوعات در قبال دریافت امتیاز آگهی و یارانه، از انتقاد صحیح بپرهیزند.

روز متفاوت پوتین با خبرنگاران

جام‌جم آن‌لاین: ولادیمیر پوتین در روزی که گویا خلق و خوی خوبی داشت برای اولین بار در تاریخ سیاسی این کشور به عنوان مهمترین چهره سیاسی کشور با خبرنگاران داخلی و خارجی خوش و بش کرد و چندین بار آنها را با بذله‌گویی به خنده انداخت. به گزارش آسوشیتدپرس، پوتین که همواره مانند سایر رهبران و روسای جمهوری پیش از خودش بسیار جدی و تند با خبرنگاران برخورد می کرد برای اولین بار در مقابل نزدیک به ۱۵ خبرنگار داخلی و خارجی که در کاخ کرملین حضور یافته بودند راحت، خندان و شوخ طبع ظاهر شد. پوتین سئوالات خبرنگاران را با روی باز پاسخ می‌داد و حتی در مورد جانشین بعدی خود در انتخابات سال ۲۰۰۸ نیز با صراحت و بذله‌گویی مطالبی گفت. رئیس جمهور روسیه در روزی که همه را بهت زده کرده بود پس از دو ساعت پرسش و پاسخ مطبوعاتی که در آن بدون کت ظاهر شده بود، در پاسخ به آخرین سئوال یک خبرنگار خارجی که درباره ایران از او پرسیده بود، گفت: «دیشب تا ساعت سه صبح داشتم بازی های جام‌جهانی را نگاه می کردم و الان واقعاً خسته و خواب‌آلود هستم.» پوتین در این مصاحبه تاکید کرد که علاقه‌ای به برگزاری همه‌پرسی و شرکت مجدد در انتخابات ندارد و ترجیح می‌دهد دیگران قدرت را به دست بگیرند.

قلم زدن در راستای منافع ملی از وظایف عالی رسانه‌ها است

ایسنا: پدر علم ارتباطات ایران گفت: هیچ خدمتی بالاتر از روزنامه‌نگاری نیست؛ چراکه روزنامه‌نگاران با میلیون‌ها انسان رابطه دارند و این ارتباط با افرادی بسیار، باعث می‌شود تا هیچ حرفه‌ای همانند روزنامه‌نگاری برای جامعه موثر نباشد. دکتر کاظم معتمدنژاد اظهار داشت: روحیه روزنامه‌نگاری در ایران سیر نزولی دارد و باید سعی شود مسئولان این رشته را توسعه دهند؛ با آموزش مدرسان و تدریس این رشته در مراکز استان‌ها می‌توان این سیر را قوت بخشید. وی نبود قوانین سیاسی و حفظ امنیت و پشتیبانی مالی را ازجمله مشکلات این رشته عنوان و خاطرنشان کرد: در ایران روزنامه‌نگاران درآمد خوبی ندارند؛ اما شاهدیم که در غرب بالاترین درآمد مختص روزنامه‌نگاران است. وی درباره حفظ امنیت و پشتیبانی مالی روزنامه‌نگاران در ایران گفت: با توجه به موضوعی که به تصویب نهایی وزیر ارشاد رسید، مصوب شد تا بر طبق تاریخ روزنامه‌نگاری شرایطی ایجاد شود که بتوانند کار را به صورت حرفه‌ای و تخصصی انجام دهند و با صدور کارت برای خبرنگاران مشکلات را حل کنیم؛ من به عنوان یک خدمتگزار خوشحالم که بتوانم روزنامه‌نگاران را در امور حرفه‌ای خودشان کمک کنم.

لوموند سندی در دست مردم

زهرا بزرگ‌زاده شهدادی

لوموند (Le Monde) یکی از روزنامه‌های مشهور جهان است و قدیمی‌ترین و مهمترین روزنامه عصر کشور فرانسه به‌شمار می‌آید. لوموند به معنای «جهان» و معادل انگلیسی آن عبارت «The World» است... این روزنامه فرانسوی در میان مردم فرانسه همچون سندی معتبر تلقی می‌شود و مورد توجه و تحسین همگان قرار دارد. لوموند تنها روزنامه فرانسوی است که در کشورهایی که فرانسه‌زبان نیستند هم به آسانی قابل دسترسی است.

روزنامه لوموند در قطع متوسط و به صورت چهار رنگ در صفحات خارجی و تک‌رنگ در صفحات داخلی منتشر شده و بیشتر اوقات مشتمل بر ۲۸ صفحه است. دفتر مرکزی این روزنامه در پاریس قرار دارد و منابع خبری آن را خبرگزاری‌های فرانسه، رویترز و آسوشیتدپرس تشکیل می‌دهند. شمارگان روزنامه لوموند طبق آخرین آمار در سال ۲۰۰۴ بالغ بر ۸۰۳ ۳۷۱ نسخه در روز است.

■ تاریخچه

روزنامه لوموند در سال ۱۹۴۴ پس از خروج نیروهای نظامی آلمان از پاریس در جنگ جهانی دوم، بنا به درخواست ژنرال شارل دوگل و به‌وسیله هوبر بوو مری (Herbert Beuve-Mery) تاسیس شد. این روزنامه در واقع جای روزنامه لوتان (Le Temps) را گرفت که در زمان اشغال فرانسه توسط آلمان، شهرت و اعتبار خود را از دست داده بود. بوو مری طی گزارشی خواستار استقلال کامل خط‌مشی سردبیری روزنامه شد و به این ترتیب اولین شماره روزنامه لوموند در ۱۹ نوامبر ۱۹۴۴ منتشر شد. این روزنامه در حال حاضر اصلی‌ترین نشریه شرکت «گروپ لوموند»، مالک این روزنامه، به‌شمار می‌آید. لوموند از تاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۹۵ از طریق پایگاه اینترنتی خود نیز برای همگان قابل دسترسی شده است. (www.lomonde.fr)

روزنامه لوموند بعدازظهرها منتشر می‌شود ولی در محل درج تاریخ آن در صفحه اول، تاریخ روز بعد درج می‌شود. به‌عنوان مثال در روز ۱۵ مارس، تاریخ روزنامه، ۱۶ مارس را نشان می‌دهد چراکه مشترکین روزنامه، آن را یک روز پس از انتشار دریافت می‌کنند.

لوموند موفقیت‌های خود را مرهون سردبیر و بنیانگذار لایق خود هوبر بوو مری است که توانست در آن مقطع خاص تاریخی برای لوموند اعتبار ملی و وجهه بین‌المللی کسب کند و توجه خوانندگان را به آن جلب نماید. هوبر بوو مری با تکیه بر توانایی‌های خود و تلاش در جهت ارائه واقعیت‌ها توانست لوموند را آزادانه و با سیاست بی‌طرفی اداره کند. وی تا هنگام مرگش در ۱۹۶۹ به این شیوه ادامه داد و به دلیل بی‌طرفی این نشریه و خط‌مشی آن و استفاده صحیح از ژورنالیسم، روزبه‌روز بر تعداد مخاطبانش افزوده شد.

بعد از مرگ هوبر بوو مری رویه سابق لوموند همچنان ادامه یافت به‌گونه‌ای که در سال ۱۹۷۰ شمارگان لوموند به ۱۵۰ هزار نسخه بالغ شد و طیف وسیعی از مخاطبان فرانسوی و غیرفرانسوی را تحت‌پوشش قرار داد. لوموند از همان ابتدا تمام خبرهای مهم داخل و خارج مرزهای فرانسه را پوشش می‌داد، علاوه بر این همواره برای خبرها و وقایع مهم، تحلیلی کامل و فراگیر پیرامون آنها ارائه می‌داد.

■ موضع‌گیری سیاسی

لوموند در گذشته از نظر موضع‌گیری سیاسی غالباً چپ‌گرای میانه‌رو (Center Left) تلقی می‌شد اما امروزه شایسته‌تر این است که آن را از نظر جهت‌گیری سیاسی سردبیری فقط میانه‌رو دانست. برخی از منتقدان به‌طور علنی اظهار می‌دارند که این روزنامه در دوران ریاست جمهوری ژاک شیراک علیه وی جهت‌گیری می‌کرد. این روزنامه همچنین در انتخابات سال ۱۹۸۱ لوموند از فرانسوا میتران سوسیالیست که معتقد بود تغییر متناوب احزاب سیاسی در دولت به نفع کشور خواهد بود، حمایت می‌کرد.

روزنامه لوموند از جنبه ژورنالیستی همانند سازمانی آکادمیک است که در آن بیشتر روزنامه‌نگاران نه تنها در استخدام رسمی روزنامه هستند بلکه سهامداران مالی این شرکت نیز هستند و در انتخاب مدیران رده بالاتر و مدیران اجرایی ارشد، شرکت دارند. لوموند برخلاف دیگر روزنامه‌های جهان مانند نیویورک‌تایمز در زمینه تجزیه و تحلیل و بیان عقاید فعالیت بیشتری به عمل می‌آورد و تنها به ارائه گزارش‌ها و اخبار اکتفا نمی‌کند. بنابراین این روزنامه از نظر پوشش دادن همه اخباری که برای چاپ مناسب هستند که شعار روزنامه نیویورک‌تایمز است، از اهمیت کمتری برخوردار بوده و به ارائه تفاسیر دقیق درباره رویدادهای جاری روز معروف است. نویسندگان لوموند به دلیل رویه حاکم بر آن آزادند تا هر چه می‌خواهند بنویسند و همین امر باعث شده تا بسیاری از نویسندگان جذب این روزنامه شوند. نویسندگان سرمقاله نیز در ارائه تفاسیر یا پیش‌بینی‌های مخاطره‌آمیز تردیدی به خود راه نمی‌دهند هر چند که در سال‌های اخیر اظهارنظرهای آنها از واقعیت بسیار دور شده است.

پی‌یر پین و فیلیپ کوهن در کتاب خود تحت عنوان «چهره پنهان لوموند» که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، چنین اظهار داشتند که کولومبانی و سردبیر بعد از وی، ادوی پلنل، دارای جهت‌گیری‌های متعصبانه بودند و مبادرت به انجام معاملات مالی نیز می‌کردند که این امر استقلال این روزنامه را در معرض خطر قرار می‌داد. این کتاب همچنین لوموند را متهم می‌کرد که با افشای رسوایی‌های سیاسی مختلف در فرانسه، به حاکمیت دولت این کشور ضربه‌های خطرناکی وارد می‌کند. (از جمله افشای فساد از سوی ژاک شیراک و غرق شدن یک قایق متعلق به سازمان محیط زیست به‌وسیله سازمان اطلاعات فرانسه به دستور فرانسوا میتران ریاست جمهور وقت). نویسندگان این کتاب در فصل دیگری از آن کولومبانی و پلنل را به «اجنبی‌پرستی» و «دوست نداشتن فرانسه» متهم می‌کنند. این کتاب توانست توجه زیادی را به خود جلب نماید اما بحث پیرامون آن همچنان باقی ماند و رسانه‌های فرانسه و سایر نقاط جهان در آن تاریخ مطالب زیادی را به آن اختصاص دادند. در سال ۲۰۰۴ نویسندگان و ناشر این کتاب به‌دنبال طرح یک دادخواست حقوقی موافقت کردند که از تجدید چاپ آن خودداری کنند.

پس از حملات یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱ لوموند در صفحه اول خود تیتر مشهوری را تحت عنوان «همه ما آمریکایی هستیم» به چاپ رساند که نوشته ژان ماری کولومبانی بود.

در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۴ روزنامه اکونومیست انگلستان مقاله‌ای منتشر کرد که در آن کاریکاتور جان کری که در میان اروپایی‌ها به جهان‌وطنی و چپ‌گرایی معروف است، کشیده شده بود. در این کاریکاتور کری نسخه‌ای از روزنامه لوموند را به نشانه گرایش وی به چپ، در دست داشت. برتری روزنامه لوموند به تازگی مانند بسیاری از روزنامه‌های دیگر فرانسوی با سیر نزولی مواجه شده است، بسیاری این امر را ناشی از انتشار کتاب چهره‌های پنهان لوموند می‌دانند.

■ مدیریت

رئیس هیات مدیره و مدیر مسئول لوموند در حال حاضر ژان‌ماری کولومبانی (Jean-Marie Colombani) و سردبیر کنونی آن ژرار کورتوا (Gerard Courtois) هستند. پلانتو یکی از کاریکاتوریست‌های سیاسی است که با این روزنامه همکاری می‌کند و کاریکاتورهای وی اغلب در صفحه اول، سمتی که روزنامه تا می‌شود، به چاپ می‌رسد. از خبرنگاران برجسته این روزنامه می‌توان از اریک رولو و مونا نعیم نام برد. اریک رولو از روزنامه‌نگاران برجسته و مخالفین سرسخت رژیم شاه سابق در ایران بود و مقاله‌های بسیاری را در مخالفت با سیاست‌های شاه سابق و به طرفداری از مخالفان وی به رهبری امام خمینی (ره) به رشته تحریر درآورد. مونا نعیم نیز به عنوان سردبیر بخش بین‌المللی روزنامه لوموند بارها به ایران سفر کرد و گزارش‌های مثبتی از مسائل داخلی کشورمان تهیه و در این روزنامه منتشر کرد. به‌طور کلی روزنامه لوموند قبل از انقلاب اسلامی از مخالفین سرسخت حکومت شاه سابق محسوب می‌شد و پس از انقلاب نیز بیش از سایر مطبوعات فرانسه به انقلاب اسلامی و رهبری آن خوش‌بین بود. همچنین در سال ۱۳۵۷ لوموند نخستین روزنامه مهم غربی بود که با امام خمینی (ره) که در عراق در تبعید بودند، مصاحبه‌ای مفصل انجام داده و آن را به چاپ رساند.

لوموند به‌جز خبر، مطالب گوناگونی را از هنر و ادبیات گرفته تا ورزش و سیاست پوشش می‌دهد اما برای بیشتر فرانسوی‌ها بخش‌های سیاسی و اجتماعی لوموند جذابیت بیشتری دارد. لوموند به لحاظ پرداختن به موضوعات ریشه‌ای اساساً روزنامه‌ای متعلق به قشر تحصیلکرده و روشنفکر است. اما این باعث نشده که این روزنامه سایر مخاطبان را از دست بدهد. توجه به مسائل اندیشه‌ای و مباحث فکری از جمله نکات بارز این نشریه است، به‌گونه‌ای که لوموند در حال حاضر ماهنامه لوموند دیپلماتیک را که دربر دارنده مباحث اندیشه‌ای و مطالب تفسیری است، منتشر می‌کند که در سرتاسر جهان توسط روشنفکران و اندیشمندان مطالعه می‌شود.

■ لوموند دیپلماتیک

انتشار ماهنامه لوموند دیپلماتیک از سال ۱۹۵۴ به تصمیم بوو مری آغاز شد. هدف وی از انتشار لوموند دیپلماتیک، ارائه تحلیل‌های ژرف‌نگر در مورد مسائل اقتصادی و روابط بین‌المللی به محافل دیپلماتیک و دست‌اندرکاران سیاست خارجی بود که در این کار موفقیت‌های زیادی کسب کرد. راز چنین موفقیتی در این امر نهفته است که لوموند دیپلماتیک با حفظ جهت‌گیری جهان سومی خود به‌طور مرتب عرصه فعالیت‌هایش را گسترش می‌دهد. به عنوان مثال در بحران خلیج فارس در سال‌های ۱۹۹۱ – ۱۹۹۰ تجزیه و تحلیل واقع‌بینانه از ماهیت جنگ‌طلبانه سیاست آمریکا نسل جدیدی از خوانندگان را به طرف آن جلب کرد و تیراژ آن را تا ۳۵۰ هزار نسخه افزایش داد. تداوم در پیگیری درگیری‌های مهم جهان از ویژگی‌های دیگر این نشریه است.

روزنامه لوموند مالک ۵۱ درصد از سهام لوموند دیپلماتیک است اما این مجله از لحاظ خط‌مشی سیاسی مستقل است. در سال ۱۹۸۹ طی موافقتنامه‌ای میان این دو نشریه، استقلال لوموند دیپلماتیک تضمین شد و در سال ۱۹۹۶ این استقلال از نظر حقوقی، مالی و تشکیلاتی کامل شد سردبیر کنونی این ماهنامه فرانسوی را ایگناسیو رامونه روشنفکر معروف فرانسوی بر عهده دارد.

لوموند دیپلماتیک در سال‌های اخیر علاوه بر تحولات کمی و کیفی، انتشار این نشریه به زبان‌های خارجی دیگر را نیز گسترش داده است به‌طوری که از سال ۲۰۰۲ لوموند دیپلماتیک به ۴۲ زبان خارجی از جمله فارسی منتشر می‌شود. (۲۳ مورد برروی کاغذ و ۱۹ مورد بر روی اینترنت) لوموند دیپلماتیک فارسی از خردادماه ۱۳۸۳ با نام «فروغ» ترجمه و در ایران منتشر می‌شود.

سیصدوپنجاه و نه به‌علاوه یک

مهرنوش دژاکام

اوایل خیابان پاکستان تهران، پایین‌تر از سفارت کبیر افغانستان و اواسط کوچه دوم با آن سراشیبی نسبتاً تند و نفس‌گیر و لابد چندمتری پایین‌تر یا بالاتر از سطح دریا، داخل زیرزمینی نمور ساختمان قدیمی تنها مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌های ایران وابسته به معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تنها کتابخانه تخصصی علوم ارتباطات کشور با گنجینه‌هایی از کمیاب‌ترین و بهترین منابع و مراجع از کتاب و مجلات و پایان‌نامه‌های مختلف دفن شده است و بنا بر آنچه از ظاهر این مقبره پیداست گویا از زمان افتتاح و تبدیل از یک آرشیو قدیمی به عنوان کتابخانه حدود ۹ سال است که از فوت آن می‌گذرد.

به‌اصطلاح آدرس سراستی دارد اما همه اینها را گفتم تا همه بدانند برای دستیابی به این گنجینه ارزشمند حداقل ظاهراً و اسمی هم که شده باید از شهر و خیابان یا سفارت یکی دو کشور هسته‌ای و در حال توسعه و یا به اصطلاح اشغال شده و بالاخره فراز و فرودی مختصر بگذری و اینها همه می‌تواند نشانه این باشد که معمولاً بعضی از ما ایرانی‌ها برای گنجینه‌های خود ارزش زیادی قائلیم، مثلاً آنها را در جاهایی پنهان می‌کنیم که دست هیچ احدالناسی به آن نرسد و به عقل هیچ بنی‌بشری خطور نکند هرچند که آن گنجینه ارزشمند از جنس کتاب و مجله باشد چه برسد به چیزهای مهمتر و به اصطلاح استراتژیک.

شاید به همین خاطر است که از میان این همه خلق‌الله، علاقه‌مند و یا نیازمند، محقق، دانشجو، استاد روزنامه‌نگاری و ارتباطات کشور، سرجمع حدود ۳۵۹ نفر تا به حال توانسته‌اند عضو بی‌سروصدای این کتابخانه محقر و محجوب باشند.

حتی به فرض محال اگر میزان مطالعه کتاب در کشورمان و در میان دانشجویان یا مردم به این اندازه قابل توجه و خوب نبود و از سطح استاندارد جهانی هم پایین‌تر بود و یا اینکه کتابخانه‌های شهرمان همه با تابلوهای ناخوانا و کوچک مشخص شده بودند و در مسیر و یا دید آزاد مردم نبودند، با توجه به آنچه گذشت، دوری مسافت، استتار و سختی راه این کتابخانه تخصصی، جایی برای گله و شکایت از مردم و یا اقشار فرهیخته و مطبوعاتی کتابخوان جامعه‌مان نمی‌گذارد.

با فشار به زانوها و کنترل سرعت مطمئنه در سراشیبی‌ها، اواسط کوچه دوم به در ورودی این مرکز می‌رسی. جلوی حیاط کمرت را باریک می‌کنی تا بتوانی از پازل راهروی اتومبیل‌های کوچک و بزرگ استاد و کارمند خوش‌فرمان این مرکز خودت را به ورودی ساختمان برسانی.

انگار زنگ تفریح است و اضافه دانشجویان مرکز، چای و نسکافه به‌دست ریخته‌اند طبقه همکف. از لابه‌لای نگاه‌ها و پچ‌پچ بچه‌ها از بد و خوب اساتید که بگذری، درست کنار آسانسور، وقتی که صورت و هیکلت تا کمر داخل آینه سرویس بهداشتی روبه‌رو افتاد، دست چپ راه‌پله باریکی است که با یکی دو پیچ تند و رو به پایین تو را به تنها «کتابخانه تخصصی و موضوعی علوم ارتباطات و مطبوعات کشور» می‌رساند.

البته این عنوان غریب را خانم کتابداری می‌گوید که به‌نظر می‌رسد از دیدن یک انسان دیگر مثل خودش در این عمق خاک خوشحال شده است، هرچند که مثلاً به‌روی خودش نمی‌آورد. یک سالن با مساحت حدود ۱۲۰ یا ۱۳۰ متر مربع با آب و هوایی گرم و مرطوب و کمترین روزنه‌ای برای ورود کمی نور طبیعی یا هوا. سمت راست سالنی حدود ۲۰ یا ۳۰ متری سهم بخش خدمات فنی و آماده‌سازی صنایع و کتابدار شده است. چهار، پنج جای مخصوص آویز روزنامه سمت راست کنار دیوار روی زمین میخ شده‌اند. ده، یازده میز مطالعه تک‌نفره وسط و دو طرف سالن و چندتایی قفسه مخصوص مجلات مختلف، از کنکور و آشپزی تا صنعت آب و برق و ریخته‌گری، از پزشکی و فلسفه و سلامت تا هنر و موسیقی و کلی مجله‌های تخصصی قلمبه سلمبه و به اصطلاح روشنفکری تا هفته‌نامه‌های همه‌کس فهم و رنگارنگ و البته جذاب با پوسترهای رنگی و قاب کردنی.

از مخازن و کتاب‌ها که چیزی دم‌دست نیست. خوب که بگردی سه، چهار میز کار و برگه‌دان و به اصطلاح چند دستگاه رایانه پیر و زهوار در رفته که لابد آمار کتاب‌ها و بده‌بستان‌ها را دارند.

ساکن بودن هوا، محیط خارش‌زای سالن مطالعه، نسیم مرطوب زیرزمینی و آب و هوای گرم و مرطوب با رایحه سرویس بهداشتی مجاور و عدم امکان کمترین ارتباط هوازی با فضای بیرون پدیده گلخانه‌ای مخصوصی را در اینجا به‌وجود می‌آورد که خود به تنهایی جای توجه و پژوهش دارد.

البته به لطف تکنولوژی و پیشرفت‌های به‌دست آمده در زمینه صنعت تاسیسات، صدای پرواز بال موتور هواکش‌ها عموماً برفضا حکمفرما است و لامپ مهتابی‌هایی چند که مثل شمع آب می‌شوند تا نور کافی و وافی سالن را فراهم آورده باشند.

«شرایط برای عضویت در این کتابخانه سخت نیست.» این جمله را همان خانم کتابدار، برعکس این نوشته‌ها با جدیت و لحن کاملاً اداری و خشک می‌گوید. خودت را جمع و جور می‌کنی و مثل یک دانش‌آموز مودب و خوب، شمرده و دقیق، انگار که روبه‌روی خانم مدیر دوران مدرسه‌ات ایستادی، اصل مطلب و غرض از مزاحمت را شرح می‌دهی.

هیچ ارباب رجوعی نیست، مسئول کتابخانه هم که مرخصی رفته و تو مجبوری سئوال‌هایت را از او بپرسی. به‌زحمت نفس عمیقی می‌کشی و در ذهنت مرور می‌کنی که کارت را بلد هستی، یک ضرب‌المثل قدیمی هم هست که می‌گوید از محبت خارها گل می‌شود، پس بسم‌الله می‌گویی و شروع می‌کنی.

«توجه کنید ما اینجا ۳۵۹ نفر عضو داریم و به‌غیر از من، چهار نفر دیگر هم به‌عنوان کتابدار به‌صورت شیفتی مشغول به‌کار هستند. مطابق بررسی‌ای که خودمان انجام دادیم با رقم ۵۵ درصدی بیشترین مخاطبان کتابخانه دانشجویان رشته ارتباطات اجتماعی و روزنامه‌نگاری هستند و حدود ۲۰ درصد هم کارشناسان واحد پژوهشی، آموزش و انتشارات و کارمندان خود مرکز، اساتید دانشگاه‌ها و پژوهشگران موسسات مربوط به این حوزه هم روی هم رفته حدوداً ۲۵ درصد از کل مراجعان به کتابخانه را شامل می‌شوند.»

گویا این کتابخانه واقعاً به‌غیر از تک‌وتوک دانشجویانی از بیرون یا بچه‌های دوره‌های روزنامه‌نگاری خود این مرکز که احیاناً به‌صورتی کاملاً اتفاقی متوجه اینجا شده‌اند و یا از طریق آشنایی احتمالی چندنفری در نمایشگاه مطبوعات آن هم سالی یک‌بار، هیچ شانس دیگری برای زنده ماندن ندارد.

او می‌گوید: سه گروه مخاطبان ما یعنی دانشجویان خود مرکز، دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها، محققان و پژوهشگران و یا اساتید و صاحب‌نظران هرکدام تقریباً با شرایطی یکسان و مساعد به‌راحتی می‌توانند با واریز مبلغ ناچیزی به همراه ارائه مدارک متعارف و لازم شناسایی در این کتابخانه عضو شوند.

«ما شرایط سختی نداریم. اکثر دانشجویان دو کتاب را تا چهارده روز امانت می‌برند و تا سه مرحله هم اگر بخواهند می‌توانند کتاب‌هایشان را تمدید کنند. حتی برای سهولت مراجعه‌کنندگان ما تمدید کتاب و مجله را به‌صورت تلفنی هم انجام می‌دهیم.

و این شرایط و مساعدت‌ها با توجه به ویژگی‌های اعضا و سطح تحصیلات آنها متغیر و آسان‌تر هم می‌شود، راستی چای شما سرد شد، بفرمایید.»

با توجه به شرایط پیش‌آمده و روابط روبه‌رشد با آن خانم مدیر کتابدار حالا فرصت خوبی است تا سئوالات زیرزمینی‌ات را هم بپرسی و بزنی به چاک، به‌قول معروف سنگ مفت، گنجشک هم مفت.

راستی، شما آمار دقیق کتاب‌هایتان را دارید، فارسی‌ها، خارجی‌ها، مقالات یا نشریات خارجی و احیاناً کتاب‌های مرجع‌تان. فکر نمی‌کنم این کامپیوتر لگن چیزی به یادش بیاید. با انگشت اشاره اینتری می‌کند و بعد از یک سرچ مختصر و گویا از طرف کامپیوتر با غروری تکنولوژیکی می‌گوید: بله عزیزم به ترتیب می‌گویم یادداشت کنی؛ ۳۷۹۷ کتاب فارسی در حوزه ارتباطات اجتماعی، ۱۱۴۵۵ مقاله فارسی در این حوزه، ۷۴۱ پایان‌نامه تحصیلی فارسی با موضوعات مختلف ارتباطات، ۱۴۰ نشریه تخصصی فارسی، ۲۰۶۷ کتاب تخصصی به زبان انگلیسی، ۴۰۳۷ مقاله تخصصی لاتین، ۸۷ نشریه تخصصی خارجی و بالاخره چندتایی هم پایان‌نامه‌های لاتین مربوط به حوزه ارتباطات و بعد به شوخی می‌گوید: «حالا بفرمایید چند کیلو می‌برید. راستی اگر خواستی بیایی ما از صبح تا ساعت ۷ بعدازظهر بیشتر نیستیم. پنجشنبه‌ها هم که مرکز تعطیل تعطیله.»

لابه‌لای یک و دو پله‌ها، دودوتا چهارتا می‌کنی. آن همه کتاب و مجله و منبع تقسیم بر ۳۵۹ به‌علاوه یک، که تو باشی، مثلاً به‌علاوه مطالعه اجباری و از ترس برای درس، تحقیق و پایان‌نامه‌های دانشجویی، منهای وقت و حال و حوصله ضربدر گرفتاری‌های خرد و ریز زندگی و کلی بهانه و توجیه و واقعیات دیگر آن، فایده‌ای ندارد. مخ‌ات سوت روشنفکرانه‌ای می‌کشد و به اصطلاح هنگ می‌کنی.

حالا تمام مسیر کوتاه برگشت کارت عضویت‌ات را برانداز می‌کنی. شماره عضویت، بزرگ نوشته ۳۶۰، کارت عضویت، کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ارائه این کارت هنگام مراجعه الزامی است. گوشه کارت به خودت لبخند می‌زنی. بچه‌ها رفته‌اند سر کلاس، جلوی در ورودی کمرت را باریک می‌کنی تا بتوانی از پازل راهروی اتومبیل‌های کوچک و بزرگ استاد و کارمند خوش‌فرمان این مرکز خودت را به در حیاط برسانی. بند کوله‌ات را محکم می‌کنی، با فشار به زانوها و به زحمت با حداکثر سرعت ممکن سربلندی نسبتاً تند کوچه را بالا می‌آیی. اینجا اوایل خیابان پاکستان تهران، پایین‌تر از سفارت کبیر افغانستان و اواسط کوچه دوم با آن سراشیبی نسبتاً تند و نفس‌گیر و لابد چندمتری پایین‌تر یا بالاتر از سطح دریا، داخل زیرزمین نمور، ساختمان قدیمی تنها مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌های ایران وابسته به معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تنها کتابخانه تخصصی علوم ارتباطات کشور با گنجینه‌هایی از بهترین و کمیاب‌ترین منابع و مراجع از کتاب و مجلات و پایان‌نامه‌های مختلف دفن شده است و بنا بر آنچه از ظاهر این مقبره پیدا است گویا از زمان افتتاح و تبدیل از یک آرشیو قدیمی به‌عنوان کتابخانه حدود ۹ سال است که از فوت آن می‌گذرد.

گزارش کوتاه

کنگره جهانی روزنامه‌نگاران جهان در روسیه

محمود فاضلی

پنجاه و نهمین کنگره جهانی روزنامه‌نگاران جهان با حضور ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه و بیش از سه هزار روزنامه‌نگار از ۱۰۴ کشور جهان در کاخ کرملین برگزار شد. مسکو در سال ۲۰۰۴ میلادی در شرایطی به عنوان محل برگزاری این اجلاس در سال ۲۰۰۶ تعیین شد که رقابت نزدیکی با شهرهای گوتبرگ (سوئد)، بارسلون (اسپانیا) و شانگهای (چین) داشت و بی‌تردید برگزاری دیدار سران کشورهای G8 در سنت پترزبورگ تاثیر زیادی در انتخاب مسکو به عنوان محل برگزاری این اجلاس داشت. رئیس آژانس فدرال مطبوعات و رسانه‌های جمعی روسیه قبل از آغاز این کنگره ضمن بی‌سابقه خواندن تعداد روزنامه‌نگاران شرکت‌کننده در این کنگره اعلام داشته است: «ناشران، روزنامه‌نگاران و دست‌اندرکاران الکترونیکی و تلویزیونی و رادیویی زیادی در این اجلاس شرکت خواهند کرد و شعارها و برنامه‌های این کنگره به دور از کلیشه‌های رایج خواهد بود.»

بولدینگ مدیرعامل انجمن جهانی روزنامه‌نگاران نیز حل مشکلات و چالش‌های مطبوعات در عصر کنونی از جمله «زبان گفت‌وگو با نسل جدید، گسترش روزنامه‌های رایگان و آن‌لاین و استفاده از سیستم‌های دیجیتال برای روزنامه‌های چاپی» را ضروری دانست. وی همچنین مبارزه به خاطر آزادی بیان را وظیفه همه روزنامه‌نگاران جهان دانست و از نبود آزادی در آسیای میانه و خطرات روزنامه‌نگاری در این منطقه انتقاد کرد. وی به همراه بروک رئیس سیزدهمین گردهمایی بین‌المللی سردبیران، اهدای جوایز به برگزیدگان این کنگره را بر عهده داشتند.

در مراسم افتتاحیه این کنگره، رئیس انجمن جهانی روزنامه‌نگاران، در حضور پوتین در سخنانی از وضعیت مطبوعات در روسیه انتقاد کرد و خواستار عدم کنترل مطبوعات و روزنامه‌نگاران از سوی دولت شد. در ادامه، گزارشی از «مشکلات خبرنگاران و مطبوعات مستقل» در برخی کشورهای جهان و بازداشت، قتل و اعمال کنترل رسانه‌ها از سوی دولت‌ها ارائه شد که هر چند نام روسیه و آمریکا نیز در میان آنها دیده می‌شود اما از کشورهای هائیتی، ونزوئلا، نپال، سریلانکا، شیلی، پاکستان، ایران، عراق، ازبکستان، ترکمنستان، بلاروس، سوریه، زیمبابوه، کنگو، ساحل عاج و ویتنام انتقاد بیشتری صورت گرفته است. پوتین رئیس‌جمهوری روسیه نیز در خاتمه مراسم در سخنانی به برخی انتقادها از وضعیت دموکراسی و آزادی مطبوعات در این کشور پاسخ گفت و شرایط فعلی روسیه از این نظر را بسیار بهتر از دهه گذشته و سنوات پیش از آن خواند. پوتین با اشاره به اصلاح و تصویب قوانین مدرن مطبوعاتی و افزایش تعداد روزنامه‌ها و نشریات کشورش، بهبود بیشتر فضای کار خبری در روسیه در آینده را مورد تاکید قرار داد. وی با اشاره به گزارشی که در این کنگره در مورد عدم آزادی مطبوعات و مجازات روزنامه‌نگاران در برخی نقاط جهان ارائه شد، تاکید کرد: «در مقابل این گزارش سر تعظیم فرود می‌آورم و می‌پذیرم که خشونت در تمام جهان خود را نشان می‌دهد.» در جریان حضور پوتین در سالن اجلاس، چند جوان ناراضی روسیه، شعارهای تندی علیه رئیس‌جمهوری روسیه سر دادند و توجه حاضران و خبرنگاران را به خود جلب کردند. در پنجاه و نهمین کنگره جهانی روزنامه‌نگاران و سیزدهمین اجلاس بین‌المللی سردبیران در مسکو «بررسی مسائل و م